

چون آبی بر بالین من با این خون رنگین من
سرگذشت سرخی بنویس از جانبازی و دین من

(بشین بر بالین از خون گلگون من
بر خاک قدس این را بنویس با خون من
من با تیری در میدان در خاک افتادم

اما شادم که در راه دین و میهن جان در دادم)۲
من در خاک و خون غلتیدم شاهد شهادت چشیدم
روی سعادت را دیدم از جانبازان شهیدم
یعنی زنده ی جاویدم پیش یزدان رو سپیدم
رفتم و باشد امیدم که تو بستانی دادم را
از دشمنان پلیدم

با خونم بنویس این پیغام ای که بودی با من همگام
کاری کن تا گردد آزاد خاک قدس از چنگ بیداد
(هان ای سرباز امروزی درسی از من می آموزی
این جانبازی این دلسوزی میوه اش باشد پیروزی)۲
ای همسنگر ای هم دردم طی کن تو مردانه هر دم
راهی را که من طی کردم تا که خصم سفاک ما
با سیل خون پاک ما رانده گردد از خاک ما
می گوید قدس ای فرزندم دلشادم کن از صهیونیست آزادم کن